صوت 149 ادامه­ی مورد جریان الاصول العملیه

\*- 1/326 : اعتراضی مطرح شده است که اینکه شما میگویید دو تا برائت جاری میشود این نمیشود. چرا نمیشود ؟ به جهت اینکه همچنان که در میان احکام واقعی تنافی وجود دارد در میان احکام ظاهری هم تنافی وجود دارد. ما چطور تفسیر احکام ظاهری را ؟ ما مثلا حکم برائت را چطور تفسیر کردیم؟ گفتیم وقتی مولی میگوید برائت جاری بکن یعنی انا لا اهتم بملاکات الواقعیه ، حالا حرمت بود یا وجوب بود مهم نیست تو برو برائت جاری کن.

وقتی میگوید احتیاط کن یعنی انا اهتمّ بملاکات واقعی. مثلا اینجا ده نفر هستند و من میدانم یکی از آنها امام معصوم است. اینقدر این یک نفر برای من مهم است، که من حاضرم هر ده نفر اکرام شود. پس اگر اینطوری شد یعنی بخواهد در یک مورد حکم ظاهری بیاید یعنی یکی میگوید اهتم و یکی لا اهتم.

سئوال حالا تنافی را در بین کجا و کجا مطرح کردید؟ در حالت اول شما می آمدید برائت جاری میکردید نسبت به حکم واقعی. مثلا مشکوک بود برای شما وجوب دعا عند رویت هلال و برائت جاری میکردید، یکی واقعی بود و یکی ظاهری و تنافی با هم ندارند.

اما در حالت دوم شما یک روایتی به دست شما رسیده که ی سندش ضعیف است یا در حجیت خبر واحد ثقه شک دارید. بالاخره حجیت آن خبر واحد برای شما محل اشکال است.

الان شما در حجیت این شک میکنید لذا برائت جاری میکنید خود حجیت یک حکم ظاهری است و برائت یک حکم ظاهری است و دو حکم ظاهری نمیتواند با هم جمع بشوند. چون این حجیت می آید میگوید دعا عند رویت هلال واجب است، یعنی مولی اهتمام دارد به اینکه مودی این خبر را شما بهش عمل کنید. اصالة البرائه میگوید مولی اهمیت نمیدهد به این مطلب و برو در حالت ترخیص باش. پس مولی هم اهتمام دارد و هم ندارد.

آقای صدر پاسخ میدهند که شما بیانتان درست است که بین دو حکم ظاهری در یک مورد نمیتوانند با هم بیایند؛ اما این کلام شما در جایی صدق میکند که دو حکم ظاهری عرضی باشند، اگر دو حکم ظاهری در عرض هم باشند بیان شما درست است ولی اگر دو حکم ظاهری در عرض هم نیستند بلکه در طول هم هستند. اینجا رابطه شان میشود مثل حکم واقعی و حکم ظاهری. تا حکم واقعی باشد حکم ظاهری نمی­آید، اما اگر شما شک کردید در حکم واقعی حکم ظاهری می آید. شما در اینجا به حجیت خبر واحد که ندارید بلکه شک دارید در آن و چون شک دارید در آن برائت آمده است. پس برائتی که در این خبر واحد ثقه جاری میکنید ، موضوع آن شک در حجیت است و خود حجیت خبر واحد ثقه شک در حکم واقعی است.­

اون حکمان عرضیان ، و حکمی هستند که موضوع آنها واحد است. مسبّ واحد داشته باشند. اما اینجا در حالتی که شک در دو جا وارد شده است.

\*- 2/327 : شما فرض کنید که باشه تنافی بین دو حکم ظاهری هم پیش نیاید. اساسا لغوئیت لازم می­آید، وقتی که من آمدم برائت اولی را جاری کردم نسبت به اصل حکم واقعی مشکوک و اثبات کردم که دعا عند الرویت هلال واجب نیست با اصالة البرائه، دیگر چه نیازی است که بخواهم برائت ثانی بکنم تا بخواهم خبر واحد ثقه را با آن کنار بگذارم. مطلب دیگر تمام شده و من نیازمند اجرای برائت ثانی نیستم. عنایت بفرمایید ثواب و عقاب دائر مدار تکلیف واقعی است، یعنی دایر مدار واقع دعا عند الرویت هلال است و وقتی من با برائت اصل اون تکلیف واقعی را زیر سئوال ببرم دیگر چه نیازی دارم به برائت ثانی برای کنار زدن خبر واحد ثقه.

پاسخ : شما این دو احتمال را در یک سطح نبینید احتمال اولی یک احتمال بسیط بود و احتمال دومی یکی احتمال مرکب است یعنی یک احتمال اولیه بود که تکلیف بود یا نه و بعد خبر واحد ثقه آمد و یک احتمال افزود به احتمال اولیه.

\*-3/327 : بعد از اینکه مستشکل را جواب داد و حرفش را رد کردند، شهید میگوید البته صحیح این است که ما نیازی به جاری کردن برائت دوم نداریم. حق این است که ما اگر آمدیم برائت را نسبت به تکلیف واقعی مشکوک اجرا کردیم این ما را بی نیاز میسازد به اجرای برائت نسبت به حجیت مشکوکه. چگونه : میگوید ببنید برائت اولی که شما جاری میکنید اون شک در تکلیف واقعی دارید، این حجت ظاهری هم که آمده است که در حجیت آن مشکوک است این هم من باب شک در واقع می آید پس موضوع شان یکی است. اونجا که میگویند طولی یا عرضی برائت ثانیه را سنجیدند ولی اینجا برائت اولی را می سنجندند. هر دو برائت در اینجا هر دو موضوع شک شان درحکم واقعی است.

خب سئوالی پیش می آید که وقتی من علم پیدا کردم نسبت به حکم واقعی آیا جای اماره است ؟ مثلا فرض کنید من امام را دیدم و مطلبی را به من فرمود و من علم پیدا کردم به کلام امام. حالا فرض کنید چند روز بعد زراره را دیدم و مطلبی را به من راجع به همان موضوع از امام گفت. کلام زراره از دو حالت خارج نیست یا مخالف علم من است که از حجیت ساقط میشود یا موافق علم من است و من نیازی ندارم. این سئوال و مثالش را اشتباه نگیرید در مورد بحث امارات در صورت انفتاح باب علم. در اونجا میگفتیم که اگر شما میتوانی بروید علم پیدا کنید ولی تا نرفتی به اماره میتوانی عمل کنی و آن را حجت بدانی. باب انفتاح این است که حتی اگر میتوانی بروی علم پیدا کنی مثلا بروی دم خانه امام، ولی باز اماره حجت است. البته اینجا در مثال بالا گفتیم اول علم حاصل میشود و بعد کلام زراره یعنی اماره را میشنویم. پس باب انتفاح اینجا مطرح نیست. پس کلام زراره از دو حالت خارج نیست یا موافق بود یا مخالف علم من بود و در هر دو حالت نیازی به آن نداریم.

پس الان خبر واحدثقه دارد زمانی می آید که من علم ندارم و من شک در حکم واقعی دارم و برائت هم در جایی می آید که من شک در حکم واقعی دارم. پس خبر واحد ثقه و برائت اولی در عرض هم قرار میگیرند نه در طول هم.

حالا می­آییم اینها را با هم می سنجیم و می بینیم که دو حکم ظاهری هستند که در عرض هم قرار دارند و تنافی هم بین شان وجود دارد. ما باید چکار کنیم و کدام را کنار میگذاریم؟ دلیلی که می آید برائت را ثابت میکند اون دلیل باید قطعی باشد. این دلیل قطعی دو دلالت دارد بالدلالة المطابقیه می­آید برائت را ثابت میکند و بالدلالة الالتزامیه، نفی میکند آن حجیت مشکوکه را.

\*- 2/328 : بعد شهید صدر میفرماید ما این برائت را گفتیم و از بینش بردیم ولی باز تاکید میکنیم که میشود در باب حکم ظاهری اصل عملی جاری میشود. مثلا شما استصحاب را فرض کنید و شما میدانستید که خبر واحد ثقه حجت است و حالا شک میکنیم که نفی شده است یا نه ؟ شما استصحاب جاری مکنید حجیت خبر واحد ثقه را. پس در مورد حکم ظاهری ، استصحاب جاری میکنید و این میشود. زیرا ارکان استصحاب در مورد اجرای در مورد حکم ظاهری است یعنی یقین سابق و شک لاحق و موضوع هم یکی است.

استصحاب در مورد خود آن حکم واقعی نمی­شد جاری کرد ولی در حکم ظاهری میشود.

\*- آنچه در مورد آن استصحاب جاری میکنیم نفس حجیت است نه اون حکم واقعی. مثلا خبر واحد ثقه آمده است که دعا عندالرویت هلال واجب است. ما در مورد حجیت خبر واحد ثقه میتوانیم استصحاب جاری بکنیم ولی وجوب دعا عند الرویت هلال را نمیتوانیم ثابت کنیم زیرا استصحاب یقین سابق می خواهد ولی ما در مورد حکم واقعی دعاء عندالرویت هلال اصلا ما حالت سابقی نداریم و شک داریم از اول در مورد آن.

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛